

تدریس مفاهیم زبان و ادبیات فارسی با به کارگیری الگوی دریافت مفهوم

حسین حسنی^۱

چکیده

هدف این پژوهش، معرفی الگوی دریافت مفهوم و مصداق‌یابی محتواهایی از کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی است که می‌توان بر مبنای این الگو به آموزش آن‌ها پرداخت و روش تحقیق، بررسی محتوای کتب درسی و میزان انطباق محتواها با مراحل و هدف این الگو است. در این پژوهش ده نمونه از تدریس مفاهیم مربوط به دروس زبان و ادبیات فارسی بر اساس گام‌های سه‌گانه روش دریافت مفهوم که روشی استقرایی و اکتشافی است، ارائه شده است. مفاهیم تدریس شده عبارتند از: «جناس و انواع آن، هم‌خانواده، تلمیح، هم‌آوا، جملات سه جزئی با متمم، اغراق، اسم‌های خاص، مجاز و حقیقت، کنایه، اسم مشتق». نتایج پژوهش نشان می‌دهد بسیاری از مفاهیم کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی دوره‌های اول و دوم متوسطه را می‌توان به این شیوه آموزش داد. از این الگو بیشتر برای تدریس مفاهیم دستوری، آرایه‌های ادبی، عروض و قافیه و سبک‌شناسی می‌توان استفاده کرد. در این الگو دانش‌آموزان به مقایسه و مقابله مجموعه‌ای از مثال‌ها و نمونه‌ها می‌پردازند و به دنبال آن، فرضیه‌ها و حدس‌هایی در ذهن آنان جوانه می‌زند. درک مفهوم، یکی از ضروریات شناخت و تحلیل متون ادبی است. سیر آموزش در الگوی دریافت مفهوم، با روح آموزش درس زبان و ادبیات فارسی سازگاری بیشتری دارد.

کلیدواژه‌ها: الگوی دریافت مفهوم، مراحل سه‌گانه دریافت مفهوم، تدریس زبان و ادبیات فارسی

^۱ دکتری مطالعات برنامه درسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان استان همدان، گروه علوم تربیتی

hassani.hossain@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵

در پی تلاش‌های صورت گرفته، بسیاری از شیوه‌ها و روش‌های یاددهی-یادگیری به شکل قابل توجهی نسبت به دو دهه گذشته تغییر کرده‌است. منابع اطلاعاتی، راه‌های انتقال و تبادل اطلاعات و چگونگی شکل‌گیری اطلاعات ما نیز متناسب با این تغییرات، دگرگون شده است (Davidson & Goldberg, 2009: 8) هر گام در راه تفکر، تنها تلاشی محسوب می‌شود برای آن که انسان را متفکرانه، در یافتن مسیر ذات خویش همیاری کند (هایدگر^۱، ۱۳۹۱: ۱). تعلیم و تربیت فرآیندی است که فکر انسان را پرورش می‌دهد. اهمیت اندیشیدن و تفکر برای انسان به اندازه‌ای است که بدون آن، زندگی ممکن نیست و هدف اصلی هر نظام آموزشی، متفکر بار آوردن افراد است (Christian et al., 2012: 4).

یکی از آسیب‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی، ناتوانی و نارسایی آموزش در ایجاد روحیه اندیشیدن و تفکر است. معلم باید در کلاس درس ادبیات، شاگردانی متفکر، محقق، نکته‌سنج، اندیشه‌ورز و دارای وجدان علمی تربیت کند. به تقویت مهارت و قدرت نقد، ارزیابی، تفسیر، استنباط، تجزیه و تحلیل در دانش‌آموزان بپردازد تا خود بتوانند سره از ناسره و صحیح از سقیم بازشناسند. در تدریس زبان و ادبیات فارسی، روش تقریری صرف، پسندیده نیست. معلم در عین حالی که شارح و تبیین‌کننده متن است، باید با طرح مسئله، به‌ویژه به روش استقرایی (همانند الگوی دریافت مفهوم) دانش‌آموزان را وادار به تفکر و تأمل کند (علی‌اکبری، ۱۳۹۲). اهمیت توجه به تفکر در نظام‌های آموزشی دنیا در هر دوره‌ای، سبب پیدایش شیوه‌های نوینی از آموزش گردید که در آن‌ها بر تفکر و شیوه‌ی علمی حل مسائل، تأکید گردید. از جمله این شیوه‌های آموزشی می‌توان به الگوی دریافت مفهوم^۲ اشاره کرد.

مهم‌ترین شاکله هویت فرهنگی ما ایرانیان، زبان و ادبیات فارسی است که با پیشینه هزار و چندصد ساله‌اش، میراث معنوی همه اقوام ایرانی در این سرزمین پاک به شمار می‌رود. از این رو، اهمیت و ضرورت آموزش و یادگیری زبان مادری از سنین کودکی تا سطوح بالای دانشگاهی بر کسی پوشیده نیست. یادگیری زبان و ادبیات فارسی بر یادگیری سایر دروس، حتی یادگیری مفاهیم فیزیک، شیمی و ریاضی و... تأثیر دارد. اهمیت الگوهای تدریس را در این خصوص، نباید نادیده گرفت. ریگان^۳ نویسنده کتاب برنامه درسی آموزش ابتدایی از تأثیر پذیری یادگیری ریاضیات و علوم تجربی از ادبیات سخن می‌گوید. او معتقد است که ریاضیات یک نظام ارتباطی است. برای تقویت این نظام ارتباطی باید به تقویت مهارت‌های اساسی زبان، از جمله گوش دادن، خواندن و نوشتن پرداخت. در درس ریاضیات و علوم نیز دانش‌آموزان باید مشاهده کنند، گوش فرادهند،

بخوانند و بنویسند. تقویت این مهارت‌ها، به چگونگی کسب آن‌ها در درس ادبیات، به‌ویژه در سنین پایین، وابسته است (Ragan-william, 1991: 375).

از دیدگاه (Burn et all, 1986) «معمولاً در سطح شناختی با انتزاعیات روبه‌رو هستیم و اشیا یا رویدادها را به همان صورتی که هستند، در حافظه ذخیره نمی‌کنیم؛ بلکه بازنمایی‌های آن‌ها را ذخیره می‌کنیم. بنابراین، آنچه ما به‌عنوان دانش با خود حمل می‌کنیم، به صورت مفاهیم و طبقات به ما می‌رسند؛ نه به صورت رویدادهای مستقل خاص». بدین ترتیب، یکی از مهم‌ترین انواع یادگیری انسان، یادگیری «مفهوم»^۴ است. البته «پیش از تدریس با الگوی دریافت مفهوم، معلم وظیفه دارد مفاهیم را انتخاب و سازمان دهد و به دنبال آن، مثال‌هایی بیاورد. سه کارکرد عمده معلم در طول مدت فعالیت دریافت مفهوم، گزارش‌دادن، نشانه‌دادن و ارائه مطالب اضافی در قالب مثال است» (جویس^۵ و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸۶-۱۹۶)؛ چون بیان مثال‌ها و مصداق‌های یک مفهوم، به فراگیر کمک می‌کند تا قدرت تشخیص بیشتری پیدا کند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴: ۲۵۵-۲۵۶).

در این الگو، مفاهیم و تعاریف به‌طور مستقیم در اختیار دانش‌آموزان قرار نمی‌گیرد؛ بلکه ابتدا مثال‌ها و نمونه‌ها عرضه می‌شود و سپس دانش‌آموزان خودشان ویژگی‌های مفهوم و تعریف آن را به دست می‌آورند و این مسئله، باعث می‌شود یافته‌ها برای مدت طولانی‌تری در ذهن دانش‌آموزان باقی بمانند. برای ارائه مثال‌ها و نمونه‌ها، معلم از قبل تعدادی نمونه مثبت و منفی برای مفهومی که می‌خواهد آموزش دهد، تهیه می‌کند. نمونه‌های مثبت که با کلمه خیر مشخص می‌شوند، نمونه‌هایی هستند که ویژگی آن مفهوم را ندارند.

آلن پیویو^۶ (۱۹۶۰)، روان‌شناس کانادایی، نشان‌داد که کلمات عینی^۷ راحت‌تر از کلمات انتزاعی^۸ آموخته می‌شوند. دلیل آن، به این امر نسبت داده‌شد که در مغز، تشکیل تصویر ذهنی کلمات عینی از کلمات انتزاعی، آسان‌تر است (مور، جین و فریث، ۱۳۸۸: ۳۲۴). بیان مسائل به صورت مثال، پرده از روی معانی مخفی برمی‌دارد و نکات مبهم را روشن می‌کند و معقولات را همچون محسوسات، در برابر چشم انسان ترسیم می‌نماید. آوردن مثال برای بیان مفاهیم انتزاعی، رفع ابهام و تکمیل آگاهی و تحریک اندیشه آدمی است و یکی از وسایل تربیتی در اسلام است (احمدی، ۱۳۷۲: ۲۷۸-۲۷۹). قرآن کریم از مثال برای بیان حقایق و روشن‌نمودن مفاهیم بسیار استفاده کرده، کاربرد آن را وسیله‌ای برای تفکر و تذکر می‌داند و می‌فرماید: «وَلَقَدْ صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (ما در این قرآن، از هر چیزی برای مردم مثلی زده‌ایم؛ شاید متذکر شوند و یادآوری باشد) (سوره زمر، آیه ۲۷). در حقیقت، قرآن کریم نیز برای بیان مفاهیم و متبادر ساختن معقولات به ذهن و درک مفاهیم انتزاعی، از مثال‌های گوناگونی استفاده کرده‌است.

الگوی دریافت مفهوم از خانواده پردازش اطلاعات است. این خانواده، بر راه‌های تقویت کشف درونی انسان برای درک جهان از طریق گردآوری و سازمان‌دهی اطلاعات اولیه کشف مسایل و ارائه راه‌حل‌ها و نیز ایجاد مفاهیم و زبان نقل آن‌ها تأکید دارند. این الگو، بر اساس مطالعات روان‌شناسی به نام جروم برونر پیرامون شیوه تفکر، در سال ۱۹۵۶م. طراحی شده‌است (آقازاده، ۱۳۸۸: ۱۴۲) و بعدها اشخاص دیگری، از جمله جویس و همکارانش، در سال ۱۹۹۲م. به تکمیل آن پرداختند (جویس و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸۶-۱۹۶). آن‌ها سه روش از این الگو را مطرح کردند که عبارتند از: مدل پذیرش‌گرا، مدل انتخاب‌گرا و مدل مواد سازمان‌نیافته (Bhaskara & Prabhakaram, 2006: 11). این شیوه آموزشی می‌تواند در هر سطح و کلاسی مورد استفاده قرار گیرد و زمینه‌ساز ارتقاء سطح تفکر انتقادی و مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان شود (Mayer, 2012: VII).

الگوی دریافت مفهوم، جست‌وجو و کشف نمودهایی است که از آن برای تمیز نمونه‌ها از غیر نمونه‌های طبقات، استفاده می‌شود. به سخن دیگر، دریافت مفهوم از دانش‌آموز می‌خواهد مثال‌ها (نمونه‌ها)یی را که شامل ویژگی‌هایی از آن مفهوم است (بانمود)، با مثال‌های دیگر که شامل آن ویژگی‌ها نیست (بی‌نمود)، مقایسه و مقابله کند و بدین‌وسیله نمودهای مقوله‌ای را که در حال حاضر در ذهن فرد دیگر وجود دارد، کشف کند. الگوی دریافت مفهوم برای ایجاد یادگیری درازمدت تدوین شده‌است. تنیسون^۹ و همکارانش دو نوع آموزش را درباره مفاهیم با هم مقایسه کردند: ۱- ابتدا تعریف مفهوم و سپس نمونه‌ها و مثال‌ها ارائه می‌شود. ۲- ابتدا نمونه‌ها و مثال‌ها ارائه می‌شود و سپس دانش‌آموزان خودشان ویژگی‌های مفهوم و تعاریف را به دست می‌آورند. بر اساس مطالعات تنیسون و همکارانش وقتی بررسی نمونه‌ها مقدم بر بحث درباره نمودها و تعاریف است، مطالب برای مدت طولانی‌تری در ذهن باقی می‌ماند و یادگیری مؤثرتر اتفاق می‌افتد (جویس و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸۶-۱۹۶). وظیفه دانش‌آموزان در دریافت مفهوم، اختراع مفاهیم جدید نیست؛ بلکه رسیدن به مفاهیمی است که قبلاً به‌وسیله معلم انتخاب شده‌اند. برونر، گودنا و آستین (۱۹۵۶)، معتقدند که تمیز مثال‌های درست از موارد نادرست، آسان‌تر از بیان نمودهای مفهوم است.

روش دریافت مفهوم^{۱۰} در تقویت مهارت‌های اساسی تفکر، بسیار مؤثر بوده و درحقیقت این الگو ماهیت تفکر را کشف می‌کند و با اجرای آن، فراگیران چگونه فکر کردن را می‌آموزند. این الگو برای هدایت شاگردان به یک مفهوم، تدوین می‌شود.

هدف از این پژوهش ارائه نمونه‌ها و مصداق‌هایی از به‌کارگیری الگوی دریافت مفهوم در آموزش مفاهیم حوزه زبان و ادبیات فارسی به معلمان و دبیران، به‌عنوان مجریان برنامه‌های درسی است. از این‌رو، پژوهش حاضر در پی رسیدن به پاسخ این سؤالات است که معلمان زبان و ادبیات

فارسی در آموزش چه مفاهیمی می‌توانند از الگوی دریافت مفهوم استفاده کنند؟ و در چه دروسی و در کدام‌یک از مقاطع و پایه‌های تحصیلی می‌توان از این الگو بهره گرفت؟

ادبیات و پیشینه پژوهش

از الگوهای تدریس، طبقه‌بندی‌های مختلفی صورت گرفته است. معروف‌ترین و در عین حال جامع‌ترین طبقه‌بندی الگوهای تدریس که سایر طبقه‌بندی‌ها را هم پوشش می‌دهد، طبقه‌بندی جویس و همکاران (۱۳۸۴) است. در این طبقه‌بندی، الگوهای تدریس در پنج خانواده به شرح زیر گروه‌بندی شده است:

۱) خانواده الگوهای اجتماعی یادگیری: الگوهای این خانواده، یادگیری را حاصل فعالیت در گروه‌ها و اجتماعات یادگیری و در کل، از طریق هم‌افزایی می‌داند. الگوهای اجتماعی تدریس، بر ماهیت اجتماعی انسان، چگونگی یادگیری اجتماعی و این‌که چگونه تعامل اجتماعی، یادگیری آموزشگاهی را افزایش می‌دهد، تأکید دارد. این خانواده شامل الگوهای همیاری، کاوشگری سازمان‌یافته، کاوشگری گروهی، ایفای نقش و کاوشگری به شیوه محاکم قضایی است.

۲) خانواده الگوهای پردازش اطلاعات: این خانواده بر روش‌های مبتنی بر کنجکاوای درونی انسان، برای درک جهان از طریق گردآوری و سازمان‌دهی اطلاعات اولیه، کشف مسائل و ارائه راه حل‌ها و ایجاد مفاهیم و انتقال آن‌ها تأکید دارد. این خانواده شامل الگوی تفکر استقرایی، الگوی دریافت مفهوم، الگوی کاوشگری علمی، الگوی یادیاری، الگوی بدیعه‌پردازی، الگوی پیش‌سازمان دهنده و الگوی مهارت‌آموزی کاوشگری است.

۳) خانواده الگوهای رشد عقلی و سازگاری: الگوهای این خانواده بر اساس نظریات رشد، چهارچوب‌هایی برای تفکر درباره شاگردان و سازگاری آموزشی با تفاوت‌های فردی آنان ترسیم می‌نماید که شامل الگوی سیستم‌های مفهومی، رشد شناختی و شرایط یادگیری است.

۴) خانواده الگوهای انفرادی: خانواده الگوهای انفرادی بر آن هستند تا آموزش را چنان شکل دهند که افراد بتوانند خود را بهتر بشناسند، مسئولیت آموزشی خود را بر عهده بگیرند و به حدی بالاتر از رشد خود دست یابند تا در جست‌وجوی زندگی سطح بالاتر باشند. به بیان دیگر، خانواده الگوهای انفرادی علاوه بر این باور که رشد شاگرد به‌عنوان یک فرد، به لحاظ آموزشی و به نوبه خود، هدف بارزشی است، اعتقاد دارد که فراگیران رشدیافته‌تر، مثبت‌تر و خودشکوفاتر، در یادگیری توانمندترند. این خانواده شامل الگوی تدریس غیرمستقیم و الگوی افزایش عزت نفس است.

۵) خانواده سیستم‌های رفتاری: به دلیل توجه تحقیقات اولیه روان شناختی بر یادگیری رفتار از طریق شرطی شدن، نظریه رفتار را می‌توان نظریه روانشناسی قلمداد کرد. با این وجود این ترس وجود دارد که این نظریه روان شناختی یا این قدرت، به سوی استفاده نابجا کشانده شود. نظریه رفتاری از آغاز کار تا کنون با نظرات منفی روبرو بوده است. صاحبان این نظرات نگرانند که رفتار ما تحت تأثیر متغیرهای بیرونی شکل گیرد و خود آزادی اتخاذ تصمیم نداشته باشیم. بر اساس برنامه‌های ناشی از نظریه رفتاری، صاحبان نظرات تعلیم و تربیت، بخصوص آن‌ها که درباره دوره‌های تحصیلی کار کرده‌اند، دسته بندی می‌شوند و حامیان و منتقدان درباره نظرات آن‌ها به مباحثه می‌پردازند. نظریه رفتاری مطلب فراوانی برای شاگردان و معلمان به همراه دارد، هر چند که نمی‌توان در همه حال از این الگوها، به مانند سایر الگوهایی که معرفی می‌شوند استفاده کرد. این خانواده، شامل الگوهای تسلطیاب، آموزش مستقیم، شبیه‌سازی، یادگیری اجتماعی، و آموزش تقویت‌مدار (شرطی‌سازی) است (جویس و همکاران، ۱۳۸۴، به نقل از گنجی و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۵).

الگوی دریافت مفهوم از مجموعه خانواده الگوهای تدریس پردازش اطلاعات است که رویکردی اکتشافی و غیرمستقیم دارد و فرایندی استقرایی (کسب مفهوم از جز به کل و به عبارتی، کسب مفهوم از طریق ارائه مثال) دارد. البته الگوی تفکر استقرایی با الگوی دریافت مفهوم، شباهت‌هایی دارد. الگوی تفکر استقرایی، آموزش تفکر خلاق و دخالت در کشف مفاهیم درسی با تکیه بر تجارب شخصی دانش‌آموزان است. در این الگو، اهداف نباید در آغاز درس گفته شود؛ بلکه باید در مرحله پنجم الگو بیان گردد. در این الگو، دانش‌آموزان در شرایطی قرار می‌گیرند که در نهایت، مفهوم یا مفاهیم درس را با فرایندهایی مثل تمیز (تشخیص)، مقایسه، استدلال، استنتاج، تحلیل و ارزیابی، درمی‌یابند. با به کارگیری الگوی تفکر استقرایی، دیگر نیازی نیست که معلم در آغاز درس به نام‌گذاری و ارائه مستقیم اصول و قواعد بپردازد (مانند الگوی دریافت مفهوم). الگوی دریافت مفهوم در آموزش زبان و ادبیات فارسی، ریاضی، زبان، علوم اجتماعی و تجربی کاربرد دارد. فرایند یاددهی-یادگیری در این الگو، فعالانه و با چالش ذهنی فراگیران همراه است و طرح مسئله و معماگونه مفاهیم با رویکرد استقرایی، باعث رشد فرایندهای عالی تفکر و توجه به سطوح بالای حیطه شناختی همچون استنباط، تفسیر، قوه تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزش‌یابی در دانش‌آموزان می‌شود. مراحل الگو عبارتند از: ۱- عرضه مطالب و شناسایی مفهوم، ۲- آزمون دست‌یابی به مفهوم، ۳- تحلیل راهبردهای تفکر و نام‌گذاری مفهوم.

مرحله اول: عرضه مطالب و شناسایی مفهوم

فعالیت معلم

- تعدادی نمونه مثبت و منفی برای مفهومی که می‌خواهد آموزش دهد، تهیه می‌کند. این نمونه‌ها می‌توانند به صورت نوشتاری (یک کلمه، یک عبارت، یک جمله، یا...) باشند و یا به صورت تصویری طراحی شوند. نمونه‌ها را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کنند.

فعالیت دانش‌آموزان

- نمونه‌های مثبت و منفی را با یکدیگر مقایسه می‌کنند. به عامل یا عوامل مشترکی که بین مثال‌های مثبت وجود دارد، توجه می‌کنند و فرضیه می‌سازند.

مرحله دوم: آزمون دست‌یابی به مفهوم

فعالیت معلم

- نمونه‌های مثبت و منفی جدیدی در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد تا (بلی) یا (خیر) بودن آن‌ها را مشخص کنند.
- فرضیه‌های درست دانش‌آموزان را تأیید می‌کند و در صورت لزوم، مفهوم را نام‌گذاری و تعاریف را بیان می‌نماید.

فعالیت دانش‌آموزان

- بلی یا خیر بودن نمونه‌های جدید را مشخص می‌کنند.
- فرضیه‌ها و تعاریف خود را ارائه می‌دهند.
- نمونه‌های جدیدی بیان می‌کنند.

مرحله سوم: بررسی تحلیل فرایند تفکر

فعالیت معلم

- از دانش‌آموزان می‌خواهد جریان تفکر خود را برای دست‌یابی به مفهوم بیان کنند.

- بحث گروهی دانش‌آموزان را هدایت می‌کند.

فعالیت دانش‌آموزان

- درباره چگونگی شکل‌گیری فرضیه‌ها در ذهنشان بحث می‌کنند.
- راهی را که برای دست‌یابی به مفهوم طی کرده‌اند، بیان می‌نمایند (جوینس و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۸۶-۱۹۶).

_____ تدریس مفاهیم زبان و ادبیات فارسی با به کارگیری الگوی دریافت مفهوم

از آثار و نتایج الگو می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اثرات آموزشی: ۱- قدرت تفکر و درک مفاهیم را در فراگیران تقویت می‌کند. ۲- دانش‌آموزان راهبردهای یادگیری مفهوم را می‌آموزند. ۳- با ماهیت مفاهیم، سیستم‌های مفهومی و کاربرد آن‌ها آشنا می‌شوند. اثرات پرورشی: ۱- بهره‌گیری از الگوی دریافت مفهوم، سبب شکیبایی دانش‌آموزان در موقعیت‌های ابهام‌برانگیز می‌شود و آستانه تحمل ابهام و انعطاف‌پذیری مفهومی را در فراگیران افزایش می‌دهد. ۲- استدلال استقرایی و دست‌یابی به نتیجه از جزء به کل را در فراگیران تقویت می‌کند. ۳- یادگیری برای فراگیران جنبه معمایی پیدامی‌کند و لذا انگیزه یادگیری در آن‌ها افزایش می‌یابد (جویس و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۶۸).

در مطالعه سابقه این پژوهش، به نتایج مطالعات بروس جویس و همکارانش مبنی بر تأثیر الگوهای نوین و ترکیب آن‌ها باید اشاره کرد. طبق گفته بروس جویس، هلیداتابا از چندین سال پیش به گسترش اصطلاح راهبرد تدریس پرداخته و کارها و مطالعات متعددی انجام داده‌است. نمونه آن، یک شیوه تدریس در جهت بهبود توان دانش‌آموزان در پردازش اطلاعات است (جویس و ویل، ۱۳۷۴).

Mayer (2012) در مطالعه‌ای به مقایسه تأثیر الگوی دریافت مفهوم با استدلال قیاسی در درس زیست‌شناسی پرداخته‌است. نتایج پژوهش او نشان داد که درک دانش‌آموزان از مفاهیم و مهارت‌های تفکر آنان با استفاده از روش دریافت مفهوم، افزایش می‌یابد. دانش‌آموزان درباره فرآیند تفکر خودشان و این‌که آن‌ها چگونه یاد می‌گیرند وقتی فعالیت‌های الگوی دریافت مفهوم را انجام می‌دهند، می‌اندیشند. نگرش و انگیزه دانش‌آموزان مقداری ارتقاء می‌یابد وقتی که آن‌ها فعالیت‌های دریافت مفهوم را به شکل بازی انجام می‌دهند و انگیزه و نگرش معلمان نیز با به کارگیری این شیوه آموزشی، ارتقاء می‌یابد.

Duin, et all (2009) نیز در پژوهشی در مورد نظریه بازی ایده‌پردازی بر اساس روش بدیعه‌پردازی و دریافت مفهوم، به این نتیجه رسیدند که ترکیب روش بدیعه‌پردازی و دریافت مفهوم، تناسب و هماهنگی زیادی با مفاهیم بازی ایده‌پردازی دارد.

Kumar & Mathur (2013) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تأثیر الگوی دریافت مفهوم در دست‌یابی به مفاهیم فیزیک» به بررسی و مقایسه تأثیر دو شیوه آموزشی دریافت مفهوم و شیوه سنتی آموزش فیزیک بر کسب مفاهیم فیزیک توسط دانش‌آموزان کلاس نهم در هاریانا پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان بیانگر آن بود که استفاده از روش دریافت مفهوم در کسب مفاهیم فیزیک توسط دانش‌آموزان، مؤثرتر از روش مرسوم است.

Syamsuri & Ricky (2007) طی پژوهشی در مورد بررسی مدل دریافت مفهوم و شیوه‌های رفتاری و واکنشی برای افزایش درک و فهم و تسلط کافی بر مفاهیم پایه، دریافتند که مدل دریافت مفهوم بر میزان خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان تأثیر معنادار داشته‌است.

Ostad & Soleymanpour (2014) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر دو شیوه آموزش مبتنی بر الگوی دریافت مفهوم و آموزش مهارتی بر پیشرفت درسی و مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان دبیرستانی پرداختند. آنان در این مطالعه، تعداد ۴۵ نفر از دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان رضوان‌شهر را به شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب کردند و در دو گروه آزمایشی و یک گروه کنترل قرار دادند. نتایج مطالعه آنان نشان داد که بین میزان اثربخشی دو روش آموزش دریافت مفهوم و یادگیری مهارتی بر میزان پیشرفت درسی و مهارت‌های فراشناختی دانش‌آموزان مورد مطالعه، تفاوت معنادار وجود ندارد؛ اما عملکرد دو گروه آزمایشی در هر دو مورد، از گروه کنترل بیشتر بوده‌است.

بصیری، طالبی و نیلی (۱۳۹۳) در پژوهشی به «بررسی تأثیر الگوی تدریس دریافت مفهوم بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر دوره کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور اصفهان در درس آمار» پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که کاربرد الگوی تدریس دریافت مفهوم بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان در درس آمار، تأثیر مثبت داشته و باعث بهبود بخشی دست‌آورد آنان در این درس شده‌است. لذا به استادان و مدرسان این درس توصیه می‌شود که در تدریس مفاهیم انتزاعی آمار در دانشگاه‌ها از این روش بهره جویند؛ زیرا استفاده از این الگو باعث به یاد ماندنی کردن درس آمار در ذهن دانشجویان و تثبیت یادگیری در فراگیران می‌گردد.

جلیل‌زاده (۱۳۷۷) در یک پژوهش نیمه‌تجربی به صورت طرح دوگروهی «با پیش‌آزمون پس‌آزمون»، جهت بررسی تأثیر کاربرد الگوی دریافت مفهوم در تقویت یادگیری دانش‌آموزان در درس زبان انگلیسی، نتایجی مانند افزایش پیشرفت تحصیلی و یادگیری معنادار، تقویت در انتقال یادگیری، ایجاد انعطاف لازم در رفتار معلم با دانش‌آموز، افزایش روابط میان گروهی، تقویت قدرت شنوایی دانش‌آموزان، رشد خلاقیت دانش‌آموزان و افزایش علاقه آنان به درس زبان را مطرح کرده‌است.

قاسم‌پور مقدم (۱۳۷۹) در پژوهشی با عنوان «کاربرد الگوی تفکر انتقادی در آموزش زبان و ادبیات فارسی» به ارائه راهکارها و شیوه‌های عملی آموزش تفکر در درس زبان و ادبیات فارسی پرداخته‌است. نتایج پژوهش او نشان داد که توجه به شیوه‌های نوین تدریس و الگوهای عملی کاملاً علمی آموزش، یکی از اصول مسلم نظام آموزشی امروزی است. عملکردها و نگرش‌های موجود در برون‌دادها (فرهیختگان) نشان می‌دهد که آنان در مهارت‌های ذهنی، استدلال، استنباط، پیوستگی

ذهنی، توانایی ربط دادن موضوعات به هم و تفکر انتقادی، توانایی قابل قبولی ندارند. معلمان به طور خاص در حین تدریس و آموزش به لحاظ سنتی بودن در تدریس، توجهی به آینده و شکل گیری مثبت ذهن و زبان دانش آموز نمی کنند.

باغبان (۱۳۹۴) در پژوهشی به ارائه روش تدریس «مجاز و حقیقت» با استفاده از الگوی دریافت مفهوم پرداخته و معتقد است که استفاده از شیوه های فعال و نوین تدریس می تواند به افزایش یادگیری و فعال کردن دانش آموزان و رضایتمندی دبیران کمک کند و این عقیده که وقت کلاس امکان استفاده از روش های فعال تدریس را نمی دهد، عقیده ای مردود است.

رحیم زاده آوانسر (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «راهبردهای آموزشی الگوی دریافت مفهوم و روش کارتی در تدریس زبان و ادبیات فارسی» به ارائه نمونه ای از تدریس دستور زبان فارسی در دوره متوسطه اول به روش دریافت مفهوم با موضوع تدریس اسم های خاص پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان می دهد به فعالیت واداشتن دانش آموزان هنگام تدریس و خارج کردن آن ها از حالت خمودی و سکوت، یکی از اهداف اساسی مدرسان در دوره های تحصیلی مختلف است و استفاده از این روش های تدریس، باعث همسویی فعالانه دانش آموزان با فرایند یاددهی-یادگیری و تحقق هر چه بیشتر و بهتر اهداف آموزشی است.

قاسم پور مقدم (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان «کاربرد الگوی دریافت مفهوم در آموزش آرایه های ادبی» به ارائه نمونه ای از تدریس آرایه کنایه و تلمیح پرداخته است. نتایج پژوهش او نشان می دهد که با در نظر گرفتن ماهیت ساختار درس آرایه های ادبی و اهدافش، بهتر است از شیوه هایی برای آموزش آن استفاده کنیم که تفهیم و تثبیت مفاهیم را آسان تر و پایدار نماید.

روش پژوهش

در راستای هدف پژوهش که ارائه نمونه ها و مصداق هایی از بکارگیری الگوی دریافت مفهوم است، به روش انتخاب نمونه هدفمند، مفهوم جناس و انواع آن (درس ۱۲) از کتاب علوم و فنون ادبی (۱) پایه دهم، مفهوم کنایه (درس ۱۲) از کتاب علوم و فنون ادبی (۲) پایه یازدهم، مجاز و حقیقت (درس ۱) از کتاب فارسی (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه و (درس ۶) از کتاب علوم و فنون ادبی (۲) پایه یازدهم، آرایه های تلمیح (درس ۳) و اغراق (درس ۹) از کتاب علوم و فنون ادبی (۳) پایه دوازدهم، مفهوم هم خانواده از کتاب فارسی پایه ششم دوره ابتدایی، هم آوا (درس ۱۶) از کتاب فارسی (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه و از کتاب فارسی پایه هفتم دوره اول متوسطه، مفاهیم اسم های خاص، اسم مشتق از کتاب فارسی پایه نهم دوره اول متوسطه، مفهوم جملات سه جزئی با متمم (درس ۷) از کتاب فارسی پایه هفتم دوره اول متوسطه در سال تحصیلی

۹۹-۱۳۹۸ انتخاب شدند و مراحل سه گانه تدریس آن‌ها بر اساس الگوی دریافت مفهوم ارائه شد. بر این اساس روش پژوهش کتابخانه‌ای است که به بررسی میزان انطباق اهداف، محتوا و مفاهیم برنامه درسی دروس حوزه زبان و ادبیات فارسی با روش تدریس دریافت مفهوم در کتاب-های درسی مقاطع و پایه‌های تحصیلی گوناگون می‌پردازد.

یافته‌های پژوهش

الگوی دریافت مفهوم، ممکن است برای کودکان در هر سن و پایه‌ای و برای هر عنوان درسی یا موضوعی مورد استفاده قرارگیرد؛ اما متناسب با هر سن و هر مفهومی که معلم قصد آموزش آن را دارد، می‌تواند در سه حالت انجام شود: ۱- تأکید بر کسب مفهومی نو: معلم در خلال سؤالات یا تفسیرهای خود به نمودهای موجود در هر مثال و عنوان مفهوم، تأکید دارد. (این حالت برای کودکان در سنین پایین مناسب‌تر است). ۲- تأکید بر جریان استقرایی: معلم ممکن است نشانه‌های کم‌تری ارائه‌دهد و شاگردان را بیش‌تر به مشارکت و پیگیری مطالب، تشویق می‌کند. ۳- تأکید بر تحلیل تفکر: معلم ممکن است یک تمرین کوتاه دریافت مفهوم را چنان بسازد تا وقت بیش‌تری برای تحلیل تفکر صرف‌شود.

در ادامه نمونه‌هایی از کاربرد این روش در آموزش مفاهیم حوزه زبان و ادبیات فارسی آمده‌است:

نمونه شماره (۱): تدریس مفهوم «جناس و انواع آن»

(درس ۱۲) از کتاب علوم و فنون ادبی (۱) پایه دهم

هدف کلی: آشنایی فراگیران با جناس

اهداف جزئی: انتظار می‌رود در پایان تدریس، فراگیران بتوانند:

۱. انواع جناس را نام‌ببرند (حیطه شناختی - در سطح دانش)
۲. در یک بیت جناس‌ها را تشخیص دهند (حیطه شناختی - در سطح درک فهم)
۳. در یک جمله جناس تام را به کارگیرند (حیطه شناختی - در سطح کاربرد)
۴. در یک غزل جناس‌های مختلف آن را تفکیک کنند (حیطه شناختی - در سطح تجزیه تحلیل)
۵. دو غزل را از نظر کاربرد جناس با هم مقایسه کنند (حیطه شناختی - در سطح ارزشیابی)
۶. مقاله‌ای در مورد کاربرد جناس در شعر ارائه‌دهند (حیطه شناختی - در سطح ترکیب)
۷. در هنگام تدریس با حرکات سر و ارتباط چشمی به درس توجه نشان‌دهند (حیطه عاطفی - در سطح توجه کردن)

۸. در بحث و

تدریس، شرکت فعالانه داشته باشند (حیطه عاطفی - در سطح واکنش نشان دادن)
اهداف رفتاری:

۱. با توجه به مطالب مطرح شده در تدریس، ده نمونه جناس ناقص حرکتی را در پنج دقیقه با ۹۰ درصد صحت بنویسند.
۲. با استفاده از مطالب کتاب درسی، جناس های موجود در غزل ارائه شده را در ده دقیقه با ۸۰ درصد صحت بنویسند.
۳. با توجه مطالب درس، سه جمله با کاربرد آرایه جناس در ده دقیقه با ۶۰ درصد صحت بنویسند.

معلم یک جدول دو ستونه ترسیم می کند:

-	+
آبی قرمز	جنگ رنگ
کوه دریا	ملک مُلک
انسان آدم	شیر سیر
خوب بد	کار کارد
سیاه سفید	بخت رخت

بعد از دانش آموزان می خواهد آن ها را با هم مقایسه کنند؛ اما فعلاً فرضیه خود را بیان نمی کند. بعد از این که معلم به این نتیجه رسید که دانش آموزان تقریباً به مفهوم دست پیدا کرده اند نمونه هایی را یادداشت می کند و از دانش آموزان می خواهد که آن را در جدول، جای گذاری کنند: (خروش خروس / بازار بیزار / آسمان ستاره / سفید سیاه / آب خاک / دادار دیدار).

در این مرحله، از آن ها می خواهد که با مقایسه دو ستون، فرضیه هایی در مورد مفهوم مورد نظر در ذهن خود بسازند. معلم مثال های دیگری روی تخته یادداشت می کند؛ ولی این بار از دانش آموزان می خواهد تا آن ها را در جدول بگذارند. همچنین معلم می تواند که از دانش آموزان خود بخواهد مثال های دیگری بزنند: (درشت درست / جود سجود / سرد زرد / نماز نیاز / سیال سیار). و در پایان از دانش آموزان می خواهد تا فرضیه خود را در جمع مطرح کنند. پاسخ های احتمالی دانش آموزان عبارت خواهد بود از این که: کلمات در یک حرف یا حرکت با هم اختلاف دارند. زمانی که معلم پی برد که دانش آموزان به مفهوم مورد نظر رسیده اند، از آن ها می خواهد خود نمودهایی

مرتبط با مفهوم (جناس) طرح کنند. معلم در این زمان، با جمع‌بندی تکمیلی، نام تخصصی مفهوم مورد نظر (جناس) را بیان می‌کند.

نمود (+)	غیر نمود (-)
داد- شاد	نور- روشن
رنگ- لنگ	درخت- انسان
آویخته- آمیخته	دریا- اقیانوس
تخت- رخت	عالم- معلوم
دار - بار	تاریک- روشن

نمونه شماره (۲): تدریس مفهوم «هم‌خانواده»

کتاب فارسی پایه ششم دوره ابتدایی:

معلم: به جدول توجه کنید؛ برخی از کلمات با «بلی» و برخی با «خیر» مشخص شده‌اند. کلماتی که با «بلی» همراهند، مثال‌هایی هستند برای موردی که در ذهن من است:

بلی	خیر
• مقصد، مقصود، قصد	• زیبا، طناب، چای
• منتظر، منظور، انتظار	• دل، تخته، آب
• مجموع، جمع، جامعه	• علوم، خودکار، سنگ

«بلی‌ها» و «خیرها» را با هم مقایسه کنید و به دنبال ویژگی‌های مشترک «بلی‌ها» باشید. فرضیه‌هایی در ذهن دانش‌آموزان شکل می‌گیرد:

دانش‌آموز «۱»: در ستون «بلی‌ها» هر سه کلمه «مقصد، مقصود، قصد»، حرف «ق» دارند.

دانش‌آموز «۲»: چند تا از حروف کلماتی که در ستون بلی‌ها هستند، مثل همنند.

دانش‌آموز «۳»: ...

سپس، معلم نمونه‌های بیش‌تری ارائه می‌دهد:

بلی	خیر
معلم، علم، عالم	ماکارانی، عضو، صبر
شعر، شاعر، شعور	سخن، قهرمان، بستنی

با این که هنوز نام و مفهوم مورد نظر و تعریف آن، بیان نشده است، برخی از دانش آموزان به مفهوم مورد نظر دست یافته اند و حتی می توانند مثال های دیگری را نیز مطرح کنند. دانش آموز «۱»: فکرمی کنم مسئله و مسائل در گروه «بلی ها» قرار بگیرد. دانش آموز «۲»: به نظر من علم و علوم در ستون «بلی ها» قرار می گیرد. پس از مطرح شدن فرضیه ها، سرانجام همه دانش آموزان به این نتیجه می رسند که که در تمام «بلی ها» چند حرف مشترک و... وجود دارد. سپس، مفهوم، توسط معلم نام گذاری شده و تعریف دقیق آن بیان می شود.

معلم: بعضی از حروف این کلمات، مثل هم هستند و... آخرین فعالیت دانش آموزان این است که نحوه استفاده از اطلاعات و شیوه تفکر خود را تا هنگام رسیدن و دست یابی به مفهوم، توصیف کنند. برای این فعالیت، معلم از دانش آموزان می خواهد جریان تفکر خود را بیان کنند. معلم: به من بگویید در ابتدا چه فکرمی کردید؟ چرا آن طور فکرمی کردید؟ در جریان تفکر خود مجبور شدید چه تغییراتی ایجاد کنید؟

نمونه شماره (۳): تدریس آرایه ادبی «تلمیح»

(درس ۳) از کتاب علوم و فنون ادبی (۳) پایه دوازدهم:

اهداف درس که قبل از شروع تدریس باید به دانش آموزان گفته شود: ۱- توانایی تشخیص آرایه مورد نظر در نمونه های ارائه شده ۲- توانایی کاربرد آن در نوشته های خود ۳- توانایی ساختن فرضیه درباره آرایه مورد نظر ۴- توانایی کشف آرایه ادبی.

مرحله اول: شناسایی مفهوم

معلم: نمونه های زیر را بررسی کنید و درباره ویژگی های مشترک ابیات، فرضیه بسازید و مفهوم مورد نظر را پیش بینی و نظرات خود را بیان کنید:

- ۱- ما قصه سکندر و دارا نخوانده ایم / از ما به جز حکایت مهر و وفا می پرس (+)
- ۲- حافظ از باد خزان در چمن دهر مرنج / فکر معقول بفرما گل بی خار کجاست (-)
- ۳- مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو (-)
- ۴- یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد / آن که یوسف به زر ناسره بفروخته بود (+)
- ۵- یارب این آتش که در جان من است / سردکن آن سان که کردی بر خلیل (+)
- ۶- سر من مست جمالت، دل من رام خیالت / گهر دیده نثار کف دریای تو دارد (-)
- ۷- شاه ترکان سخن مدعیان می شنود / شرمی از مظلمه خون سیاووشش باد (+)
- ۸- جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او / آن نور روی موسی عمرانم آرزوست (+)

نمونه‌های انتخابی مرحله اول باید ساده‌تر، روشن‌تر و آسان‌تر از مرحله دوم و سوم باشد. هر چه نمونه‌های بیشتری برای آرایه مورد نظر ارائه شود، به همان اندازه یادگیری و دریافت مفهوم آن بهتر انجام می‌گیرد. باید به شیوه‌ای مناسب، دانش‌آموزان را تشویق کنیم که در فعالیت گروهی و کلاسی شرکت کنند. برخورد نامناسب با دانش‌آموز و انعکاس نسنجیده به او، باعث خواهد شد که از شرکت در بحث و گفت‌وگو خودداری کند.

مرحله دوم: دست‌یابی به مفهوم

نظر دانش‌آموزان به‌منظور تأیید آن‌ها درباره تلمیح، مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس جهت میزان دریافت مفهوم تلمیح، ارزیابی می‌شود.

معلم: نمونه‌های زیر را بررسی کنید و در مقابل ابیات، علامت مثبت یا منفی بگذارید:

- () در شب قدر از صبحی کرده‌ام عیبم مکن / سرخوش آمد یار و جامی برکنار طاق بود
- () سایه معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد / ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود
- () خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد / به آب دیده و خون جگر طهارت کرد
- () ز روزگار به رنجم ز دوستان محروم / چو مرتضی ز خلافت، چو فاطمه ز فدک
- () یاد یاران یار را میمون بود / خاصه کان لیلی و این مجنون بود
- () هنگام تنگ‌دستی در عیش و کوش و مستی / کاین کیمیای هستی قارون کند گدا را
- () پدرم روضه‌ی رضوان به دو گندم بفروخت / من چرا ملک جهان را به جوی نفروشم
- () دانه باشی مرغکانت برچینند / غنچه باشی کودکانت برکنند

مرحله سوم: تحلیل راهبردهای تفکر و نام‌گذاری مفهوم

دانش‌آموزان فرایند پی‌بردن به مفهوم تلمیح را در نمونه‌های ارائه‌شده، بیان می‌کنند و سپس نحوه تفکر خود را درباره تلمیح، همراه با ویژگی‌های کلام ملمح، مطرح می‌سازند. نهایتاً در رابطه با فرضیه‌های مطرح‌شده درباره تلمیح، بحث و گفت‌وگو می‌کنند (قاسم‌پور مقدم، ۱۳۸۱: ۲۷).

نمونه شماره (۴): تدریس کلمات «هم‌آوا»

(درس ۱۶) از کتاب فارسی (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه و از کتاب فارسی پایه هفتم

دوره اول متوسطه:

گام اول: شناسایی مفهوم

ابتدا معلم دو سری از مفاهیم مربوط به یک درس را پای تخته یادداشت می‌کند. سری اول را با علامت بله یا مثبت و سری دوم را با علامت خیر یا منفی معرفی می‌کند؛ مثلاً در درس املائی فارسی:

بله: حیات، غریب، گزار، فراغ، خار..... خیر: کلاس، انسان، زاویه، مقدار، صادق.....

_____ تدریس مفاهیم زبان و ادبیات فارسی با به کارگیری الگوی دریافت مفهوم

اکنون از دانش‌آموزان می‌خواهد که به این دو سری کلمات دقیق شوند و به این بیاندیشند که کلمات سری «بله»، دارای چه ویژگی مخصوصی هستند که کلمات سری «خیر» این ویژگی را ندارند. دانش‌آموزان در داخل گروه‌ها فکرمی‌کنند و هر گروه پاسخ خودشان را در یک برگه کوچک می‌نویسند و به معلم می‌دهند؛ مثلاً ممکن است جواب بدهند: کلمات گروه «بله» به دو شکل مختلف نوشته می‌شوند؛ اما کلمات گروه «خیر» فقط به یک شکل نوشته می‌شوند. بعد از جمع‌بندی تمام پاسخ‌ها و اعلام پاسخ درست، معلم وارد مرحله بعد می‌شود.

گام دوم: دست‌یابی به مفهوم

در این مرحله، تعدادی از کلمات را پای تخته یادداشت می‌کند و از گروه‌ها می‌خواهد که آن‌ها را در دو گروه «بله» و «خیر» طبقه‌بندی کنند؛ مانند این کلمات: «فراق، مربوط، راضی، اقدام...» که قاعدتاً کلمات «فراق و راضی» که به دو شکل نوشته می‌شوند، در گروه «بله» و کلمات «مربوط و اقدام» که همین یک شکل را دارند، در گروه «خیر» خواهند آمد.

گام سوم: تحلیل راهبردهای تفکر و نام‌گذاری مفهوم

معلم بعد از جمع‌آوری پاسخ‌های گروه‌ها و تصحیح آن‌ها، از گروه‌ها می‌خواهد که درباره یافته‌های خود با یکدیگر تبادل نظر کنند و این بار خودشان جدولی شامل دو ستون «بله» و «خیر» تشکیل دهند و کلماتی متناسب با مفهوم هر گروه، در داخل جدول قرار دهند. در این مرحله، از گروه‌ها می‌خواهد که توصیف مناسبی برای کلمات گروه «بله» پیدا کنند؛ مثلاً کلماتی که دارای تلفظ یکسان هستند، ولی معنای متفاوت دارند و املاي آن هم متفاوت است. معلم پس از تأیید، این گروه از کلمات را کلمات «هم‌آوا» می‌نامد. تکلیف: هر یک از دانش‌آموزان برای جلسه بعد، هر چند کلمه هم‌آوا را که می‌توانند، پیدا کنند و به هر دو شکل بنویسند.

نمونه شماره (۵): تدریس مفهوم «جملات سه‌جزئی با متمم»

(درس ۷) از کتاب فارسی پایه هفتم دوره اول متوسطه:

معلم جمله‌های زیر را روی تخته کلاس می‌نویسد یا در برگه‌هایی نوشته، در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. آن‌گاه از آنان می‌خواهد جملات را بخوانند و مفهوم مورد نظر او را با توجه به برنامه‌های مثبت و منفی که در مقابل جمله‌ها می‌بینند، شناسایی کنند: ۱- علی کتاب را خواند (-) ۲- غذایش را خورد (-) ۳- حسن با دشمن جنگید (+) ۴- او از دشمن نمی‌ترسد (+) ۵- وقتی رزمنده‌ای را می‌بیند (-) ۶- به سبب دلاوری هایش به او می‌نازد (+) ۷- عبدالله در تاریکی شب به نخلستان می‌رود (-) ۸- تا دوست مجروحش را بیاورد (-) ۹- آسمان ابری است (-).

معلم برای پی بردن به این که آیا دانش‌آموزان مفهوم مورد نظر او را دریافته‌اند یا نه، از آنان می‌خواهد در یک فرصت پنج دقیقه‌ای، دریافت‌های خود را بیان کنند. سپس نمونه‌های دیگری ارائه می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد جمله‌هایی را که دارای مفهوم مورد نظر هستند، با «بلی» و بقیه را با «خیر» مشخص کنند. بعد، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد نام مفهوم مورد نظر درس را بازگو کنند. آنان در می‌یابند که مفهوم این درس، «جمله سه جزئی با متمم» است. در این هنگام، معلم بدون آن که به نام مفهوم مورد نظر اشاره کند یا درباره تفاوت‌ها و شباهت‌های این جمله‌ها حرفی بزند، دیدگاه‌ها و دریافت‌های درست دانش‌آموزان را تأیید می‌کند. سپس معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا برای مفهوم درس «جمله سه جزئی با متمم» نمونه‌هایی ذکر کنند. همه نمونه‌ها را روی تخته می‌نویسد و از دانش‌آموزی می‌خواهد موارد نادرست را از درست تمیز دهد و علت نادرستی یا درستی آن‌ها را بیان کند. در پایان، دانش‌آموزان نحوه پی بردن به این مفهوم را توضیح می‌دهند و درباره ویژگی‌های مفهوم، بحث و گفت‌وگو می‌کنند.

نمونه شماره (۶): تدریس مفهوم «اغراق»

(درس ۹) از کتاب علوم و فنون ادبی (۳) پایه دوازدهم:

معلم چند بیت از شاهنامه فردوسی را روی تخته کلاس می‌نویسد. آن‌گاه از دانش‌آموزان می‌خواهد آن‌ها را به دقت بخوانند تا به مفهوم مورد نظر پی ببرند. دانش‌آموزی پای تخته می‌آید و بیت‌های مورد نظر را با علامت مثبت مشخص می‌کند.

چو نه ماه بگذشت بر دخت شاه	بشد تیز رهام با خود و گبر	زمانه مرا پتک ترگ تو کرد (+)
یکی پورش آمد چو تابنده ماه (+)	همی گرد رزم اندرآمد به ابر (+)	-----
چو خندان شد و چهره شاداب کرد	به گرز گران دست برد اشکیوس	که گفت برو دست رستم ببند
ورا نام تهمینه سهراب کرد	زمین آهنین شد سپهر آبنوس (+)	نبندد مرا دست، چرخ بلند(+)
چو یک ماه شد همچو یک سال بود	چو رهام گشت از کشانی ستوه	ز سم ستوران در آن پهن دشت
برش چون بر رستم زال بود (+)	بیچید زو روی و شد سوی کوه	زمین شش شد و آسمان گشت
بگیر و ببر زنده بر دار کن	تهمت چنین داد پاسخ که نام	گذشت از لب رود و بالا گرفت
وزو نیز با من مگردان سخن	چه پرسی کزین پس نبینی تو کام	همی ماند از کار گیتی شگفت
-----	مرا مادرم نام مرگ تو کرد	خروشید کای فرخ اسفندیار
		هماوردت آمد بر آرای کار

معلم از دانش‌آموزان می‌پرسد: آیا مفهوم مورد نظر درس را دریافت کرده‌اید؟ آن‌گاه چند دقیقه فرصت می‌دهد تا آنان دریافت‌های خود را مطرح کنند. سپس ابیات دیگری را از چند شاعر می‌خواند و آنان پس از شنیدن هر بیت، نظر خود را با گفتن «بلی» یا «خیر» اعلام می‌کنند. معلم از آن‌ها می‌خواهد که نام مفهوم درس را بگویند. آن‌ها بیت‌ها را از جهات مختلف با یکدیگر

_____ تدریس مفاهیم زبان و ادبیات فارسی با به کارگیری الگوی دریافت مفهوم

مقایسه می‌کنند و به

مفهوم اغراق پی می‌برند. آن‌گاه به بحث می‌پردازند و پس از ذکر نام مفهوم، دلایل خود را نیز بیان می‌کنند. معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد اگر می‌توانند برای مفهوم مورد نظر نمونه‌هایی از نظم یا نثر ارائه دهند. وقتی همه پاسخ‌ها روی تخته یادداشت شد، معلم یا یکی از دانش‌آموزان علت مثبت تلقی کردن نمونه‌های مشخص شده را توضیح می‌دهد. در پایان، چند نفر از دانش‌آموزان نحوه دریافت این مفهوم را شرح می‌دهند و در این میان، معلم نقش راهنما و هدایت‌گر را دارد (قاسم‌پور مقدم، ۱۳۷۸: ۲۶-۲۷).

نمونه شماره (۷): تدریس «اسم‌های خاص»

از کتاب فارسی پایه نهم دوره اول متوسطه:

۱- توجه دانش‌آموزان را به این نمونه‌ها جلب می‌کنیم:

مثبت	منفی
تهران‌ها	پدرها
آسیاها	مادرها
مشهدها	رودها
ایران‌ها	کشورها

۲- سپس نمونه‌های زیر را ارائه می‌دهیم تا دانش‌آموزان خودشان ضمن مشخص کردن موارد مثبت و منفی، فرضیه‌های خود را بیان کنند و یا بنویسند.

بیر ()، قاره ()، شهر ()، رخش ()، رستم ()، افراسیاب () و ...

دانش‌آموزان شاید چنین فرضیه‌هایی بسازند:

همه گزینه‌ها اسم هستند. / موارد مثبت چون بر اشخاص یا مکان‌های خاصی دلالت دارند، قابل جمع بستن نیستند. / موارد منفی، قابل جمع بستن هستند؛ چون بر تعداد زیادی از هم جنس‌های خود دلالت می‌کنند.

۳- در مرحله سوم، با تحلیل راهبردهای تفکر دانش‌آموزان، مفهوم مورد نظر (اسم‌های خاص) نام‌گذاری و معرفی می‌شود (رحیم‌زاده آوانسر، ۱۳۹۶).

نمونه شماره (۸): تدریس «مجاز و حقیقت»

(درس ۱) از کتاب فارسی (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه و (درس ۶) از کتاب علوم و فنون ادبی (۲) پایه یازدهم:

۱- برای شروع کار، معلم ابتدا نمونه‌ها و مثال‌هایی را که از قبل آماده کرده‌است، روی تخته کلاس یادداشت می‌کند. بهترین کار این است که تخته کلاس به دو قسمت تقسیم شود. نمونه‌ها را به دو شیوه می‌توان نوشت:

الف) در تمام مثال‌ها، یک واژه مورد نظر باشد؛ مانند مثال‌های زیر که واژه «کاسه» در هر دو گروه، مورد نظر است.

مثبت	منفی
کاسه از دستم افتاد.	تمام کاسه را خوردم.
کاسه شکست.	تمام کاسه تلخ بود.
کاسه زیبا طراحی شده بود.	تمام کاسه را دور ریختم.

ب) در روش دیگر، نمونه‌های ارائه شده می‌توانند جفت جفت متفاوت باشند؛ مانند:

مثبت	منفی
کاسه از دستم افتاد.	تمام کاسه را خوردم.
قلم را تراشید.	دهخدا قلم خوبی داشت.
زنگ مدرسه خراب بود.	به خواهرم زنگ زدم.

۲- معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که به کمک اعضای گروه خود در مورد مثال‌ها بیاندیشند و ضمن مقایسه این دو ستون، نظرات خود را یادداشت کنند تا نماینده هر گروه، نتیجه را گزارش دهد. فراگیران نظرات متفاوتی می‌دهند؛ ساده‌ترین عقیده که البته در هدایت آن‌ها نقش مهمی ایفای می‌کند، تکرار واژه «کاسه» در نمونه‌های اول است.

۳- معلم به فراگیران می‌گوید: ستونی که بالای آن «آری» یا مثبت است، مفهومی را می‌رساند که مورد نظر من است و ستون «خیر» یا منفی مفهوم مورد نظر مرا ندارد (مجاز).

۴- وقتی دانش‌آموزان به تفاوت مثال‌ها پی‌بردند، معلم از آن‌ها می‌خواهد برای ستون‌ها اسم مناسب انتخاب کنند و سپس تعاریف و کلیات درس ارائه می‌شود.

۵- مثال‌هایی بدون طبقه‌بندی ارائه می‌شود تا دانش‌آموزان آن‌ها را مرتب‌کنند؛ مانند: سر رفتن ندارم/ سرش شکست/ قصاب سر گوسفند را برید/ سرش سفید شده بود/ دست روی سرش گذاشته بود.

۶- گروه‌ها با هم تبادل نظری می‌کنند و سرگروه‌ها نتیجه را ارائه می‌دهند.

_____ تدریس مفاهیم زبان و ادبیات فارسی با به کارگیری الگوی دریافت مفهوم

۷- برای سنجش میزان یادگیری کلیات درس، واژه‌ای (مانند: ماه، دست، قلم و درخت) داده می‌شود تا گروه‌ها آن را با مفهوم مجازی و حقیقی به کار ببرند و دوباره نظرشان را سرگروه‌ها ارائه می‌دهند.

۸- معلم بعد از اطمینان یافتن از یادگیری مباحث کلی درس، یکی از مثال‌ها را که در معنای مجازی به کار رفته‌است، یادداشت می‌کند و شیوه‌های راهبردی دانش‌آموزان را جویا می‌شود و از آن‌ها توضیح می‌خواهد؛ به‌عنوان مثال، چرا واژه «سر» را در جمله «سر رفتن ندارم» مجاز می‌دانیم و کدام نشانه (قرینه) ما را به سوی معنای مجازی راهنمایی می‌کند؟

۹- پس از تبادل نظر گروه‌ها و اعلام دیدگاه هریک، توضیحات لازم در مورد قرینه مجاز (لفظی و معنوی) ارائه می‌شود. در پایان، در مورد ارتباطی که بین «سر» به‌عنوان عضو بدن و «سر» به معنای قصد و اندیشه (علاقه) وجود دارد، از آن‌ها توضیح می‌خواهد و علاقه مجاز را با استفاده از نظر خود دانش‌آموزان تبیین می‌کند.

۱۰- معلم در مورد فایده به‌کاربردن مجاز در سخن، با توجه به معنای لغوی آن، فراگیران را به تفکر وادار می‌کند و ارتباط بین مجاز و استعاره را نیز به کمک آن‌ها مطرح می‌سازد؛ هر چند که توضیح کامل ارتباط استعاره و مجاز، مربوط به جلسه آینده می‌شود.

۱۱- در پایان، به منظور جمع‌بندی مطالب، در صورتی که وقت کلاس اقتضا کند، از هر گروه یک نفر نکات درس را توضیح می‌دهد و برای اطمینان از یادگیری و ارزشیابی، مدت پنج دقیقه وقت داده می‌شود تا نمونه‌هایی از خودآزمایی‌های کتاب، پاسخ داده شود (باغبان، ۱۳۹۴).

نمونه شماره (۹): تدریس مفهوم «کنایه»

از (درس ۱۲) کتاب علوم و فنون ادبی (۲) پایه یازدهم:

مرحله اول: معلم، ابیات را از قبل، روی برگه‌هایی نوشته و در اختیار گروه‌ها یا افراد قرار می‌دهد یا آن‌ها را روی تابلو کلاس می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌خواهد ابیات را بخوانند و به علامت‌های مثبت و منفی که در مقابل ابیات گذاشته شده، توجه کنند:

- (+) هنوز از دهن بوی شیر آیدش / همی رای شمشیر و تیر آیدش
- (-) عالم از شور و شر عشق خبر هیچ نداشت / فتنه انگیز جهان نرگس جادوی تو بود
- (-) گل بخندید و باغ شد پدرام / ای خوشا این جهان بدین هنگام
- (+) سرم به دنیی و عقبی فرو نمی‌آید / تبارک‌الله از این فتنه‌ها که در سر ماست
- (-) گرچه من خود ز عدم دل خوش و خندان زادم / عشق آموخت مرا شکل دگر خندیدن
- (+) چنین است رسم سرای درشت / گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت

- (+) نرفتم به محرومی از هیچ کوی / چرا از در حق شوم زرد روی
- (+) همینست بسنده است اگر بشنوی / که گر خار کاری سمن ندروی
- (-) آن قطره باران که برافتد به گل سرخ / چون اشک عروسی است برافتاده به رخسار
- (-) شبی چون شبه، روی شسته به قیر / نه بهرام پیدا نه کیوان نه تیر
- (+) از تو به که نالم که دگر داور نیست / وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست
- (+) برآشفت عابد که خاموش باش / تو مرد زبان نیستی، گوش باش

۴۱

معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد درباره ویژگی مشترک ابیاتی که با علات مثبت (+) مشخص شده است، فکر کنند و در صورتی که کلاس گروه بندی شده، با هم گفت‌وگو کنند (این فعالیت در ۵ تا ۷ دقیقه انجام می‌شود). سپس، معلم نمونه‌های دیگری را به دانش‌آموزان ارائه می‌دهد که علامت مثبت یا منفی ندارند و از آنان می‌خواهد تا ابیات زیر را بخوانند و آن‌ها را بر مبنای مفهوم ذهنی و حدسی خود به دو گروه مثبت و منفی طبقه بندی کنند. (۲ تا ۴ دقیقه):

- () دامن‌کشان که می‌روی امروز بر زمین / فردا غبار کالبدت، بر هوا رود
- () پیچیدن افعی به کمندت ماند / آتش به سنان دیوبندت ماند
- () رخسار صبح پرده به عمدا برافکند / راز دل زمانه به صحرا برافکند
- () دیده عقل مست تو، چرخه چرخ پست تو / گوش طرب به دست تو، بی تو به سر نمی‌شود
- () برو هر چه می‌بایدت پیش گیر / سر ما نداری، سر خویش گیر
- () چو بشنید بیچاره بگریست زار / که ای خواجه دستم ز دامن بدار

دانش‌آموزان از مقایسه ابیات فوق و مفاهیم ذهنی خود، در می‌یابند که مفهوم مورد نظر درس در حد تشبیه، استعاره و مجاز نیست. ابیات مثبتی که خود انتخاب کرده‌اند و ابیاتی که معلم در ابتدا به‌عنوان مثال‌های مثبت معرفی کرد، بیانگر پوشیده سخن گفتن است که در علم بیان، کنایه نامیده می‌شود. معلم بدون این که به نام مفهوم مورد نظر اشاره کند یا درباره وجود اختلاف و اشتراک ابیات سخنی بگوید، به نظر دانش‌آموزان گوش می‌دهد و دریافت‌های درست آن‌ها را تأیید می‌کند (۱۰-۱۵ دقیقه). دانش‌آموزان هم درباره فرض‌ها و حدس‌های خود سخن می‌گویند و در نهایت، پس از طرح دیدگاه‌ها به اندازه مناسب، نام مفهوم درس اعلام می‌شود.

مرحله دوم: معلم نمونه‌های دیگری را روی تابلوی کلاس می‌نویسد و از دانش‌آموزان می‌خواهد نمونه‌ها را ببینند و ابیاتی را که کنایه دارند، مشخص کنند و علت انتخاب خود را بیان نمایند. تشخیص و تمیز کنایه در ابیات نوشته شده، میزان فهم و دریافت مفهوم را نشان می‌دهد و معلم به اصلاح فرض‌های دانش‌آموزان می‌پردازد (۵-۷ دقیقه).

مرحله سوم:

نماینده هر گروه یا تعدادی از دانش‌آموزان، چگونگی دریافت مفهوم کنایه را بررسی و تحلیل می‌کنند و برای کلاس توضیح می‌دهند که چگونه به این مفهوم پی بردند. آنان درباره ویژگی‌های کنایه در متون ادبی سخن می‌گویند و در نهایت معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد که تمرین‌های درس را در مدت زمانی کوتاه انجام دهند (۵ تا ۷ دقیقه) (قاسم‌پور مقدم، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۶).

نمونه شماره (۱۰): تدریس مفهوم «اسم مشتق»

از کتاب فارسی پایه نهم دوره اول متوسطه:

فرض کنید موضوع و مفهوم آموزشی ما «اسم مشتق» باشد. در این صورت، توجه دانش‌آموزان را به این نمونه‌ها جلب می‌کنیم: باغ(-) / پارک(-) / فرزند(-) / قلم(-) / قلمدان(+)/ سخندان(-) / کتابخانه(-) / کتابدار() / میوه(-) / چهل ستون(-) / مرغزار(+)/ پوشه(+)/ عروسک(+)/ پیام(-) / دورنگار(-) / بی ادب(+)/ و

سپس، نمونه‌های زیر ارائه می‌شود تا دانش‌آموزان ضمن مشخص کردن موارد مثبت و منفی، فرضیه‌های خود را نیز بیان کنند یا بنویسند: پدر() / آسایش() / دانشمند() / درخت() / پرنده() / خستگان() / مداد() / دفتر() / خط‌کش() / قلم‌تراش() / باهنر() / تراشه() / و دانش‌آموزان ممکن است چنین فرضیه‌هایی را بسازند:

- ۱- موارد مثبت، یک جزئی نیستند.
- ۲- از دو جزء مستقل و دارای معنی ساخته نمی‌شوند.
- ۳- از یک جزء معنی‌دار یا یک وند بی معنی و وابسته ساخته می‌شوند.
- ۴- معنایی غیر از جزء اصلی، افاده می‌کنند؛ مثل پوشه که غیر از پوشیدن است و از ترکیب (پوش+ه) ساخته شده و بر چیز خاصی اطلاق می‌شود.
- ۵- بهتر است دانش‌آموزان پیش از ذکر نام مفهوم، نمونه‌های دیگری را بیان کنند. وقتی مفهوم اساسی درس دریافت شد و معلم با پرسش‌هایی متنوع از ایجاد و تثبیت آن‌ها در ذهن دانش‌آموزان اطمینان یافت، می‌تواند به نام‌گذاری مفهوم یا مفاهیم بپردازد؛ مثلاً بگوید: «آنچه امروز به آن پرداختیم، اسم مشتق نامیده می‌شود».

۶- آخرین راهبرد یادگیری این است که متن درس و نمونه‌های آن، بررسی می‌شود. به این ترتیب، هرگاه معلم نمونه‌ای را از غیر کتاب درسی طرح می‌کند، دانش‌آموز قادر است مفهوم مورد نظر در آن را دریابد یا چند نمونه هم مفهوم را از نمونه‌های دیگر تمیز دهد (قاسم‌پور مقدم، ۱۳۷۸).

بحث و نتیجه‌گیری

الگوی دریافت مفهوم، باعث شکل‌گیری مباحثه میان دانش‌آموزان می‌شود و به دنبال بررسی و دسته‌بندی تفاوت‌ها و شباهت‌های میان واژه‌ها، جملات و یا تصاویر، به لحاظ ظاهری، معنایی و مضمونی در نمونه‌های مثبت و منفی، فرصت فرضیه‌سازی برای آنان فراهم می‌آورد. در این روش، دانش‌آموزان فرصت می‌یابند تا فرضیه‌هایی را که خود شکل داده‌اند، با مصداق‌ها و نمونه‌ها انطباق دهند و در نتیجه فرضیه‌های نادرست را شناسایی کرده یا به اصلاحشان بپردازند و در نهایت به نظریه که در حقیقت همان تشکیل مفهوم مورد نظر است، برسند. این الگو، بیش از پیامدها و نتایج، به فرایندها و به جای تمرکز بر پاسخ، بر ایجاد ابهام و طرح سؤال، توجه بیشتری دارد و در پی آموزش به شیوه حل مسئله است. از این الگو می‌توان در ارائه درس جدید و هم در ارزشیابی تشخیصی، بهره برد. پیشنهاد می‌شود سایر کتب درسی نیز مورد بررسی قرار گیرند تا بدین طریق مفاهیمی را که می‌توان بر اساس گام‌های الگوی دریافت مفهوم تدریس کرد، بیشتر معرفی شوند.

- ¹ Heidegger
- ² Concept Attainment
- ³ Ragan
- ⁴ concept
- ⁵ Syamsuri and Ricky
- ⁶ Alan Paivio
- ⁷ concrete words
- ⁸ abstract words
- ⁹ Tennyson
- ¹⁰ Attaining Concept

منابع

- قرآن کریم، سوره زمر، آیه ۲۷.
- آقازاده، محرم (۱۳۸۸). **راهنمای روش های نوین تدریس** (بر پایه پژوهش های مغز محور، ساخت گرای، یادگیری از طریق همیاری و فراشناخت). تهران: آبیژ.
- احمدی، سید احمد (۱۳۷۲). **اصول و روش های تربیت در اسلام**. تهران: ماجد.
- ایران زاده، نعمت الله؛ حاجیان، فردوس و همکاران (۱۳۹۸). **فارسی (بخوانیم)**، پایه ششم، دوره ابتدایی، چاپ چهارم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- باغبان، شکوفه (۱۳۹۴). تدریس مجاز و حقیقت با استفاده از الگوی دریافت مفهوم. **رشد آموزش زبان و ادب فارسی**، ۲۸ (۳): ۶۶-۶۷.
- بصیری، بتول؛ طالبی، هوشنگ و نیلی، محمدرضا (۱۳۹۳). بررسی تأثیر الگوی تدریس دریافت مفهوم بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دختر دوره کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور اصفهان در درس آمار. **مجله رویکردهای نوین آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه اصفهان**، ۹ (۲): ۲۰-۲۵.
- مور، بلیک؛ جین، سارا؛ فریث، یوتا (۱۳۸۸). مغز یادگیرنده: **درس هایی برای آموزش و پرورش**. ترجمه سیدکمال خرازی. تهران: سمت.
- جلیل زاده، نادیه (۱۳۷۷). تأثیر کاربرد الگوی دریافت مفهوم در تقویت یادگیری دانش آموزان دختر شهرستان رشت در درس زبان انگلیسی. **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه گیلان.
- جویس بروس، ویل مارشا (۱۳۷۴). **الگوهای جدید تدریس**، متن کامل، ترجمه محمدرضا بهرنگی، تهران: تابان.
- جویس، بروس؛ ویل، مارشا و کالهن، امیلی (۱۳۸۴). **الگوهای تدریس**. ترجمه محمدرضا بهرنگی. تهران: انتشارات کمال تربیت.
- جویس، بروس؛ کالهن، امیلی و هاپکینز، دیوید (۱۳۸۹). **الگوهای یادگیری ابزارهایی برای تدریس**. تهران: انتشارات سمت.
- چنگیزی، علیرضا؛ زندی، حاتم و همکاران (۱۳۹۸). **فارسی، پایه نهم، دوره اول متوسطه**، چاپ پنجم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
- رحیم زاده آوانسر، اسماعیل (۱۳۹۶). **راهنمای آموزشی الگوی دریافت مفهوم و روش کارتی در تدریس زبان و ادبیات فارسی**. **رشد آموزش زبان و ادب فارسی**، ۳۱ (۳): ۸۳-۸۵.
- علی اکبری، محبوبه (۱۳۹۲). آسیب شناسی تدریس شعر فارسی. **هشتمین همایش بین المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران**، دانشگاه زنجان.
- قاسم پور مقدم، حسین (۱۳۷۸). کاربرد الگوی دریافت مفهوم در آموزش زبان و ادبیات فارسی. **رشد آموزش زبان و ادب فارسی**، ۱۳ (۵۰): ۲۶-۲۹.
- _____ (۱۳۷۹). کاربرد الگوی تفکر انتقادی در آموزش زبان و ادبیات فارسی. **آموزش زبان و ادب فارسی**، شماره ۵۵: ۱۶-۲۰.

_____ (۱۳۸۱). کاربرد الگوی دریافت مفهوم در آموزش آرایه های ادبی. رشد آموزش زبان و

ادب فارسی، ۱۶ (۶۲): ۲۷-۲۴.

- گنجی، مسعود؛ زاهد بابلان، عادل و معینی کیا، مهدی (۱۳۹۱). فراتحلیل پژوهش های انجام یافته در خصوص نقش الگوهای تدریس بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. *مجله روان شناسی مدرسه*، ۱ (۱): ۹۳-۱۰۷.

- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۴). *روان شناسی تربیتی*. تهران: سمت.

- محمدیان، محی الدین بهرام؛ صلاحی مقدم، سهیلا و همکاران (۱۳۹۸). *علوم و فنون ادبی (۱) پایه دهم*، دوره دوم متوسطه، چاپ چهارم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.

- محمدیان، محی الدین بهرام؛ قاسم پور مقدم، حسین و همکاران (۱۳۹۸). *علوم و فنون ادبی (۲) پایه یازدهم*، دوره دوم متوسطه، چاپ سوم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.

- محمدیان، محی الدین بهرام؛ قاسم پور مقدم، حسین و همکاران (۱۳۹۸). *علوم و فنون ادبی (۳) پایه دوازدهم*، دوره دوم متوسطه، چاپ دوم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.

- محمدیان، محی الدین بهرام؛ قاسم پور مقدم، حسین و همکاران (۱۳۹۸). *فارسی (۱)، پایه دهم*، دوره دوم متوسطه، چاپ چهارم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.

- وفايي، عباسعلي، ذوالفقاری، حسن و همکاران (۱۳۹۸). *فارسی، پایه هفتم*، دوره اول متوسطه، چاپ هفتم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.

- هایدگر، مارتین (۱۳۹۱). *معنای تفکر چیست؟*. ترجمه فرهاد سلمانیان. تهران: نشر مرکز.

-Bhaskara Rao, D. & Prabhakaram, K. S. (2006). **Concept attainment model in mathematics teaching**. Delhi: Published by Discovery Publishing House. Available in <http://books.google.com/books>.

-Bourn, L. F., Dominowski, R. L., Loftus, E. F., and Healy, A. F. (1986). **Cognitive processes** (2d ed.). Prentice-Hall International.

-Bruner, J. S.; Goodnow, J. J. & Austin, G. (1956). **A Study of Thinking**, New York: Wiley.

-Christine V., McRobbie, Campbell J. (2012) **Utilizing argumentation to teach nature of science**. In Fraser, Barry J., Tobin, Kenneth G., & McRobbie, Campbell J. (Eds.) **Second International Handbook of Science Education**. Springer, London, 24, 969-986.

-Davidson, C. N. & Goldberg, d. T. (2009). **The future of learning institutions in a digital age**. The MIT press Cambridge Massachusetts, London England.

-Duin, H., Hauge. J. B. & Thoben. K. D. (2009). **An ideation game conception based on the Synectics method**. Edition.Tehran: Phoenix. available on line: <http://www.emeraldinsght.com>.

-Kumar, A. & Mathur, M. (2013). Effect of concept attainment model on acquisition of physics concepts. **Universal Journal of Educational Research** 1(3): P 165-169. Available in <http://www.hrpub.org/download/201310/ujer.2013.010304.pdf>

- Mayer, J. R. (2012). **Effect of using the concept attainment model with inductive reasoning with high school biology students**. A professional paper submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science in Science Education. Montana State University. Available in <http://www.hrpub.org/download/201310/ujer.2013.010304.pdf>

- Ostad, G. & Soleymanpour, J. (2014). The Impact of Concept Attainment Teaching Model and Mastery Teaching Method on Female High School Students' Academic Achievement and Metacognitive Skills. **International Journal of Innovative Research in Science, Engineering and Technology** Vol. 3, Issue 2. http://www.ijirset.com/upload/2014/february/102_The%20Impact.pdf.

- Ragan-william, B. (1991). **Modern Elementary Curriculum**, New York.

- Syamsuri. H. & Ricky. G. (2007). **Model pembelajaranattaning concept, basic Refrigeration System**. <http://Journal.Upi.Edu>